

جنگ، تولید و حمایت واقعی



کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی به حدی از جنگ تحمیلی اخیر آسیب دیده‌اند که بدون کمک دولت نمی‌توانند ادامه حیات بدهند و از

عهده مشکلات‌شان برآیند. به ویژه در حوزه مالیاتی نیاز است که حمایت از آنها در دستور کار باشد.

وزارت اقتصاد و امور دارایی به منظور حل مشکلات کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی اقدام به پیش‌بینی یک بسته حمایتی ویژه کرده است. در این چارچوب، بیمه مرکزی، بانک‌ها، سازمان امور مالیاتی و گمرک اقداماتی را در راستای کمک به بنگاه‌های اقتصادی آسیب دیده از جنگ در دستور کار قرار می‌دهند. به‌ویژه کارشناسان بر این باورند که بانک‌ها می‌توانند نقش مهمی در بازسازی کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی و تقویت آنها در شرایط فعلی داشته باشند. بر این اساس، سیاست‌هایی مانند اعطای تسهیلات حمایتی ارزی در جهت تامین تجهیزات و ماشین‌آلات برای بنگاه‌های بزرگ آسیب‌دیده از جنگ توسط بانک‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد.

سازمان امور مالیاتی نیز به اعطای اعتبارات و بخشودگی‌های مالیاتی متناسب با نیازهای هر بنگاه اقتصادی اقدام می‌کند. تمامی این سیاست‌ها به منظور کمک به بنگاه‌های اقتصادی آسیب دیده از جنگ و تقویت آنها صورت می‌گیرد.

نظرات حبیب قاسمی، عضو کمیسیون عمران مجلس را در خصوص بسته حمایتی ویژه وزارت اقتصاد به منظور کمک به کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی آسیب دیده از جنگ و لزوم اعمال سیاست‌های حمایتی توسط دیگر وزارت‌خانه‌ها جویا شدیم که در ادامه می‌خوانید.

قاسمی نماینده مجلس در ابتدای صحبت‌های خود با اشاره به رویکرد دغدغه‌مندانه دولت در حوزه حمایت از کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی آسیب دیده از جنگ به **سمن** گفت: به نظر می‌رسد مسئولان اقتصادی در سطح کلان مانند وزیر و روسای سازمان‌های دولتی در خصوص لزوم حمایت از کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی آسیب دیده از جنگ دغدغه‌مند هستند. بر همین اساس، سیاست‌های درستی در راستای کمک به کسب و کارهای آسیب دیده از جنگ پیش‌بینی شده است. بسته حمایتی وزارت اقتصاد با تکیه بر توان همه زیرمجموعه‌های این وزارتخانه تهیه شده است و برنامه‌ای منسجم و هدفمند در زمینه بازسازی صنایع و حمایت از تداوم تولید در کشور دارد.

قاسمی گفت: باید مدیران سطح میانی و پایین دستی نیز به خوبی توجیه شوند و بدانند که باید سیاست‌های حمایتی به نفع بنگاه‌های اقتصادی اجرایی شوند. در غیر این صورت، امکان حمایت از آنها و ادامه حیات‌شان وجود ندارد. وی ادامه داد: کسب و کارها با مشکلات جدی مواجه شده‌اند و تولید بهینه ندارند. بر همین اساس، امکان پرداخت مالیات را از دست داده‌اند. به همین دلیل، در نظر گرفتن معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

این نماینده مجلس خاطرنشان کرد: اقداماتی مانند اعطای تنفس و ایجاد امکان تقسیط چند ساله بدهی‌های مالیاتی بنگاه‌های آسیب‌دیده از جنگ در واقع گامی در راستای کمک به اقتصاد ملی است. کسب و کارها چرخ محرک اقتصاد ملی هستند و هر چقدر از آنها حمایت به عمل بیاید، در واقع از اقتصاد در سطح کلان حمایت شده است.

قاسمی گفت: اعمال سیاست‌های حمایتی توسط بیمه مرکزی و گمرک نیز مثبت ارزیابی می‌شود. حجم صدمه به کسب و کارها به حدی است که حمایت همه جانبه همه سازمان‌ها موردنیاز است. باید تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها به کمک بیایند و هر اقدام حمایتی که می‌توانند انجام دهند.

وی ادامه داد: مالیات به عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت مطرح است. اما در شرایط فعلی، کمک به کسب و کارها در زمینه مالیات و اعمال بخشودگی و معافیت ضرر برای دولت حساب نمی‌شود، بلکه گامی در راستای تقویت اقتصاد ملی است که در نهایت به نفع جامعه و دولت است.



سیاست‌گذاری

های کلان باید

تاب‌آوری

صنعت را

به‌عنوان

یک اولویت

راهبردی در

سند توسعه

صنعتی

بگنجانند



واقعیت تلخ

این است که

در دوران

بحران،

بزرگ‌ترین

تهدید تنها

کمبود مواد

اولیه نیست،

بلکه تفرقه،

تضاد منافع و

تصمیم‌های

جزیره‌ای است

در شرایطی که اقتصاد کشور در تقاطع پیچیده‌ای از فشارهای خارجی و چالش‌های مزمن زیرساختی قرار گرفته، صنعت خودرو به‌عنوان پیشران زنجیره‌های ارزش، در موقعیتی خطیر قرار دارد. تنش‌های سیاسی، ناترازی‌های انرژی، محدودیت‌های دسترسی به منابع مالی و ناپایداری‌های اقلیمی، دیگر نه تهدیدهایی دوردست،

از مسیر پیش روی صنعت خودرو گزارش می‌دهد

تولید خودرو در طوفان



دارد که عبور از آن، نیازمند نگاهی فراتر از ترازنامه‌های مالی است؛ نگاهی که تولید را نه به‌عنوان یک فعالیت تجاری، بلکه به مثابه آخرین خاکریز امنیت اقتصادی در برابر تهدیدات چندلایه قلمداد می‌کند. **سمن** در این گزارش نگاهی دارد به تاب‌آوری صنعت خودرو و مسیر پیش‌روی آن که در ادامه می‌خوانید.

حلقه مفقوده تاب‌آوری صنعت خودرو در روزهای پرخطر

اولویت‌بندی‌های تأمین برق و گاز، آخرین حلقه زنجیره محسوب می‌شود. هم‌افزایی میان وزارت صمت و وزارت نیرو برای ایجاد زون‌های ویژه صنعتی که دارای اولویت تأمین انرژی و سیستم‌های پشتیبان هستند، نه یک امتیاز، بلکه یک ضرورت حیاتی است. بدون این هم‌افزایی، صنعت خودرو همواره در معرض شوک‌های ناگهانی باقی خواهد ماند و هزینه این بی‌ثباتی، مستقیم از جیب مصرف‌کننده نهایی و بودجه عمومی کشور پرداخت می‌شود. این زون‌ها باید به‌عنوان جزایر امن تولید، تضمین‌کننده تداوم فعالیت قطعه‌سازان و خودروسازان در شرایط بحرانی باشند. آنچه در نهایت تاب‌آوری را محقق می‌کند، وفاق ملی در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان است. سیاست‌گذاری‌های صنعتی باید تاب‌آوری را به عنوان یک اولویت امنیت ملی در اسناد بالادستی بگنجانند.

اگر مدیران صنعتی و سیاست‌گذاران انرژی به این باور نرسند که در فضای پرمخاطره کنونی، هیچ سودی خارج از سود زنجیره‌ای و پایداری جمعی پایدار نخواهد بود، این صنعت ناگزیر در چنبره تکرار بحران‌ها گرفتار خواهد ماند. تاریخ ثابت کرده است که سرمایه اجتماعی، با مشاهده ازخودگذشتگی در سطوح عالی مدیریتی و درک صحیح از تهدیدات پیرامونی احیا می‌شود؛ زمانی که اولویت کشور، حفظ سنگر تولید باشد، نه رقابت‌های فرسایشی سازمانی.

در نهایت، عبور از پیچ تاریخی فعلی، بیش از آنکه نیازمند تزریق منابع مالی باشد، مستلزم تغییر در فرهنگ حکمرانی است. تولید، آخرین خاکریز پایداری کشور است و پاسداری از آن، رسالتی است که نباید در هیاهوی رقابت‌های کوچک، به فراموشی سپرده شود. امروز زمان بلوغ صنعتی و اتحاد ملی است؛ زمانی که باید بپذیریم در منطقه‌ای پرآشوب، تنها صنایعی باقی می‌مانند که خود را به زره تاب‌آوری داخلی مجهز کرده باشند. با انسجام فرماندهی، هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف و باور به توان علمی، می‌توان از این طوفان عبور کرد و میراثی از استحکام و اعتماد برای نسل‌های آینده بر جا گذاشت.

همچنان به عنوان یک هزینه سربار نگریسته شده است؛ حال آنکه خسارت‌های ناشی از توقف حتی یک روز تولید، به‌مراتب فراتر از هزینه‌کرد برای ایجاد زیرساخت‌های انرژی اختصاصی است. تغییر رویکرد از وابستگی مطلق به شبکه سراسری به سمت تولید پراکنده و مدیریت هوشمند انرژی، ضروری‌ترین گامی است که باید برای حفظ پیوستگی خطوط تولید برداشته شود.

❑ ضرورت تاب‌آوری سیستمی

حل مسئله تاب‌آوری بدون بازنگری در مدل حکمرانی زنجیره تأمین ناممکن است. صنعت خودرو ما به شدت متکی بر شبکه گسترده‌ای از قطعه‌سازان کوچک و متوسطی است که خود در برابر بحران‌های انرژی و نوسانات جهانی مواد اولیه به‌شدت شکننده هستند. وقتی یک قطعه‌ساز کوچک به دلیل قطع برق یا توقف تأمین مواد اولیه از تحویل به‌موقع قطعات حساس باز می‌ماند، کل زنجیره تولید دچار اختلال می‌شود. بنابراین، تاب‌آوری صنعت خودرو یک امر فردی نیست، بلکه یک سیستم جمعی است. خودروسازان بزرگ باید از نقش صرف خریدار قطعه، به نقش تسهیل‌گر تاب‌آوری برای شبکه تأمین‌کنندگان خود تغییر موضع دهند تا ریسک‌های خرد، تبدیل به فاجعه کلان نشود.

❑ الزامات مدیریتی

با گسترش تنش‌های منطقه‌ای، تدوین پروتکل‌های تولید در شرایط بحران امری اجتناب‌ناپذیر است. صنعت خودرو باید به سمت ایجاد ذخایر راهبردی مواد اولیه حرکت کند تا در صورت بسته شدن مسیرهای تأمین، خط تولید دچار ایست قلبی نشود. این یعنی گذار از مدیریت به‌موقع به سمت مدیریت در صورت نیاز. این تغییر پارادایم، هزینه‌های جاری را اندکی افزایش می‌دهد اما در عوض، بقای صنعت را در شرایط شوک‌های ناگهانی تضمین می‌کند. نادیده گرفتن این ضرورت در سایه تحولات سریع منطقه، می‌تواند راهبردی نادرست را به پاشنه آشیل امنیت صنعتی کشور تبدیل کند.

در این میان نمی‌توان از صنعت خودرو انتظار داشت که در روزهای پرمخاطره، رشد تولید را محقق کند، در حالی که در

صنعت خودرو؛ نماد پایداری یا کانون آسیب‌پذیری؟

ترجیح منافع ملی بر مصالح فردی و سازمانی، یک الزام حیاتی است.

❑ درس‌های جنگ چهل‌روزه برای مدیریت صنعتی

آریاراد با اشاره به تجارب اخیر مدیریت بحران در کشور ادامه داد: تجربه جنگ چهل‌روزه به ما یادآوری کرد که موفقیت در بحران، حاصل آمادگی، انسجام فرماندهی و وحدت هدف است. نیروهای مسلح کشور نشان دادند که حکمرانی مدیریت بحران، اگر به یک فرهنگ سازمانی تبدیل شود، می‌تواند از بروز آشفتگی جلوگیری کند. این الگوی موفق، نباید محدود به حوزه دفاعی بماند و باید در صنایع راهبردی نظیر خودرو و انرژی نیز به عنوان یک الگو پیاده‌سازی شود.

وی با بیان اینکه تاب‌آوری صنعت خودرو نیازمند مدیریت هوشمند زنجیره تأمین، تنوع‌بخشی به منابع و ایجاد اتاق‌های دائمی مدیریت بحران است، تأکید کرد: تمامی این اقدامات بدون وفاق ملی عقیم خواهند ماند. حفظ استمرار تولید، صرفاً تولید چند دستگاه خودرو نیست؛ بلکه صیانت از امید در جامعه است.

بنابراین گزارش و به اعتقاد کارشناسان باید پذیرفت که دستیابی به تاب‌آوری، نه یک هدف فنی، بلکه یک سرمایه‌گذاری راهبردی بر روی بقای ملی است. تجربه موفق مدیریت در شرایط حاد و بحرانی به ما آموخت که ابزارهای سخت‌افزاری بدون نرم‌افزار وفاق کارایی ندارند. آنچه امروز صنعت خودرو و سایر صنایع پیشران



هر کارخانه‌ای که چراغ آن روشن بماند، پیام پایداری به جامعه مخابره می‌کند و هر تصمیم خردمندانه، بخشی از نگرانی‌های مردم را کاهش می‌دهد.

❑ تولید، آخرین سنگر اقتصاد کشور است

آریاراد در پایان خاطرنشان کرد: امروز کشور بیش از هر چیز به وفاقی نیاز دارد که در آن هم‌کاری جایگزین تقابل شود. تولید، آخرین سنگر اقتصاد کشور است و پاسداری از این سنگر، مسئولیتی ملی است که تمامی ارکان حاکمیت و فعالان اقتصادی در برابر آن پاسخگو هستند. اگر امروز با نگاهی آینده‌نگر و مسئولانه تصمیم بگیریم، نه‌تنها از این مقطع دشوار عبور خواهیم کرد، بلکه سرمایه‌ای از انسجام و اعتماد برای نسل‌های آینده بر جای خواهیم گذاشت. عبور از بحران، نه تنها با منابع مالی، بلکه با باور به توان ملی و ازخودگذشتگی در سطوح کلان مدیریتی ممکن است.

سخن پایانی

کشور به آن نیاز مبرم دارند، فراتر از تزریق منابع مالی، تغییر در فرهنگ حکمرانی است؛ گذار از رقابت‌های فرسایشی سازمانی به سوی